

تحلیلی بر مناسک بدعت و مشروعیت مناسک عزاداری

ایران سلیمانی^{۱*}، سیده صدیقه سید کاظمی اردبیلی^۲

۱- گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۲- گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

چکیده

عزاداری و برپایی مجالس به پاس تعظیم و احترام فرد یا گروهی است، که در قالب مداحی سخنرانی، سینه زنی و غیره انجام می شود. همچنین به دلیل نقش سازنده فردی و اجتماعی و فرهنگی آن، جایگاه ویژه‌ای در مکتب اسلام و سیره اهل بیت دارد. اما برخی اعمال خارج از توصیه‌ها و احکام دین در مراسم‌های عزاداری که به نام دین و به عنوان دستور دینی معرفی و عمل شود بدعت محسوب شده و ضروری است نحوه عزاداری‌ها اصلاح و بدعت‌ها از آن زدوده شود. این تحقیق با هدف بررسی مناسک بدعت و مشروعیت مناسک عزاداری به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که گریه کردن، نوحه سرایی و مرثیه خوانی و عزاداری طبق آیات قرآن احادیث شیعه و سنی برای اهل بیت (ع) نه تنها ممنوع نیست بلکه دارای فضیلت خاصی است که این فضیلت شامل تعزیه داران واقعی خواهد گردید. و نیز از مصادیق شعائر الهی، مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و مبارزه با ظلم و ستم است که در قرآن به آنها سفارش شده است و می‌توان مشروعیت عزاداری را در اسلام اثبات کرد. اما در زمینه بروز بدعت‌ها و خرافات در عزاداری می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر

اکثر فقهای عظام حکم اولیه در مورد بدعت‌ها از جمله قمه زنی و هر نوع عمل نامتعارف در عزاداری‌ها، حرمت است و در هیچ یک از فرمایش معصومین (ع) پیرامون فضیلت عزاداری بر امام حسین (ع) به امری غیر از گریه کردن و زیارت کردن قبر مطهرشان توصیه نشده است.

واژه‌های کلیدی: عزاداری، بدعت، مشروعیت، اهل بیت (ع)، فقه.

مقدمه

عزاداری و سوگواری برای درگذشتگان، انسان‌های ارزشمند و صلحاء یک آئین دینی، اجتماعی است که در بیشتر فرهنگ‌ها و باورهای دینی از جایگاه خاصی برخوردار است و به شیوه‌های مختلفی با توجه به نوع فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای مذهبی انجام می‌شود. این مسئله که انسان‌ها با از دست دادن عزیزان خود به صورت فطری، طبیعی و غیر ارادی خوبی‌های آن‌ها در ذهن‌شان مرور می‌کنند و حالت حزن و چه بسا نوحه‌سرایی به آنها دست می‌دهد امری طبیعی و متعارف است. مادرانی که فرزند خود را از دست می‌دهند، بی اختیار نوحه خوانی می‌کنند و اشک می‌ریزند و همین امر به او کمک می‌کند تا راحت‌تر تخلیه شود و تسلی یابد. باید گفت این جریان کاملاً فطری است و مشترک بین تمامی بشر؛ حتی مسلمان و کافر. در اسلام نیز عزاداری برای شخص در گذشته بیشتر جنبه‌ی سوگواری و طلب مغفرت و تسلی بازماندگان را دارد. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مشروعیت عزاداری را اثبات می‌کند، از جمله: نمونه عینی عزا و گریه در قرآن کریم، سوگواری حضرت یعقوب (ع) در فراق یوسف است که قرآن آن را نقل و تلویحاً تأیید کرده است؛ «وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِیْضًا عَیْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِیْمٌ»، «و از آنها روی برتافت و گفت: ای دریغ بر یوسف! و هر دو چشمش از (غایت) اندوه سفید شد و همواره غصه گلوگیرش بود» (یوسف/۸۴). در میان شیعیان عزاداری برای بزرگان و رهبران دینی به خصوص امام حسین (ع) از اهمیت خاصی برخوردار است و به سبک‌ها و روش‌های مختلفی برگزار می‌شود و از آنجا که اسلام مکتب فطرت است؛ مکتب فطری نمی‌تواند با عزاداری مخالف باشد؛ زیرا حزن و اندوه به هنگام از دست دادن عزیزان امری است که فطرت انسانی با آن سرشته است و هرگز ممکن نیست دین جهانی گریه و اندوه را در از دست دادن عزیزان تا وقتی که سبب خشم و

غضب خداوند نشده، تحریم کند؛ اما در سال‌های اخیر بحث‌های زیادی درباره عزاداری، مداحی و مرثیه سرایی‌های موجود در محافل مطرح شده است. به دنبال تغییر تدریجی سبک عزاداری در برخی مجالس و پیدایش شیوه‌ها و بدعت‌های بعضاً عجیب و غریب و شاید بی سابقه در امر عزاداری و خواندن اشعار بی محتوا، غلوآمیز و با ریتم و آهنگ‌های شبیه به موسیقی‌های «پاپ» و «راک»، این اندیشه در میان متفکران دینی قدرت گرفت که باید جلوی انحرافات و بدعت‌ها در این زمینه گرفته شود و از سوی دیگر با توجه به اینکه «عزاداری» موضوعی است که اگر با آداب و مناسک آن و همراه با آگاهی و معرفت انجام گیرد، نتایج ارزنده و سازنده‌ای خواهد داشت، که ره توشه رشد و بالندگی انسان عزادار خواهد بود؛ لذا در این تحقیق به بررسی مناسک بدعت و مشروعیت در مناسک عزاداری پرداخته می‌شود.

ریشه‌های عزاداری در قرآن

از نظر قرآن، عزاداری ریشه‌هایی دارد. اولین روضه‌خوان، خود خداوند است. خداوند در سوره بروج آیات ۴ تا ۸ می‌فرماید:

«قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ، النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ، إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»، «مرگ بر اصحاب اخدود، اصحاب اخدود کیانند؟ (کسانی هستند که) گودالی کردند و مؤمنین را (داخل گودال) ریختند و سوزاندند و (خودشان) بالای گودال تماشا می‌کردند».

قرآن می‌فرماید: (که این مؤمنین) فقط به جرم این که مؤمن بودند سوخته شدند. قرآن (در اینجا) روضه سوخته شدن این مظلومین مؤمن را می‌خواند. پس اولین روضه خود قرآن (خوانده) است. (اولین روضه‌خوان سیدالشهداء هم جبرئیل می‌باشد آن موقعی که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام خدا را به اسمای پنج تن قسم داد».

قرآن می‌فرماید: «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ» (آل عمران، ۱۴۶) چه پیغمبرانی بودند و چه یاران مخلصی داشتند این یاران مخلص، تلاش و جهاد می‌کردند، خسته نمی‌شدند، سست نمی‌شدند و تا آخرین نفس و تا آخرین تیر خود قیام کردند؛ یعنی قرآن دارد از ایشان آنها تعریف می‌کند.

«و اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِبْرَاهِیمَ» (مریم، ۴۱)، «ابراهیم فداکاری کرد و تو ای پیغمبر مأموری یاد ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام را گرامی بداری».

و اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ» (مریم، ۱۶)، «ای پیغمبر! تو مأموری که نام مریم و سخنهایی که به او چسبیده شده بیان کنی».

قرآن روضه می خواند و می گوید:

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (التکویر، ۵-۱)، «روز قیامت که نور خورشید گرفته می شود دریاها به جوش می آید و مردم پا به فرار می گذارند»، آن روز «إِذَا الْمَوْؤُذَةُ سُنَّتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (الکتویر، ۹ و ۸) «سؤال می شود که به چه گناهی این مظلوم را کشتید؟ پس در سوره شمس هم روضه خوانده شده است».

ادله مشروعیت عزاداری

در این بخش به بررسی ادله مشروعیت مراسم عزاداری در کتاب، سنت، اجماع و سیره ی معصومین پرداخته می شود.

ادله قرآنی

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که مشروعیت، بلکه رجحان عزاداری و اقسام آن را به اثبات می رساند؛ در اینجا به چند نمونه از این آیات اشاره می شود:

ذکر مظلومیت پیشینیان در قرآن

اولین روضه خوان خداست، آن هم برای دختر کافر روضه خوانده است. مسلمان‌ها که دختر را در گور نمی کردند. کفار و بت پرست‌ها در زمان جاهلیت، دخترشان را زنده در گور می کردند. آن وقت خداوند با یک لحن تنیدی که هیچ کجای قرآن چنین لحنی را شما نمی بینی. می فرماید: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (تکویر/۱) ببینید اگر کسی وارد اتاق شد و گفت: اگر چنین شد...! اگر چنین شد...! اگر چنان شد...! اگر چنین شد...! اگر فلان...! اگر چنین...!

اگر چنان...! هی می گوید خوب بگو باقی اش را که چیست و با همه اگرها چیست. خداوند تنها سوره‌ای که از این ۱۱۴ سوره، یک سوره اش را با اگر شروع کرده است. یعنی اگر خاص! «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» آن وقتی که قیامت به پا می شود و نور خورشید گرفته می شود. «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (تکویر/۲) آن وقتی که ستاره‌ها نورشان را از دست می دهند. «وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (تکویر، ۳) آن وقتی که زمین لرزه می شود و کوه از دل زمین کنده می شود و به حرکت در می آید. «وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» (تکویر، ۴) همه سرمایه‌های قیمتی را رها می کنند و پا به فرار می گذارند. «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر، ۵) آن وقتی که حیوان‌هایی که از هم فرار می کنند و در دل هم از خطر به هم پناه می برند. «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (تکویر، ۶) آن وقتی که گداختگی مغز زمین بر اثر زلزله، زمین شکافته می شود و داغی وسط زمین به قعر اقیانوس‌ها می خورد و اقیانوس‌ها جوش می آید. «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» (تکویر، ۷) حالا که چه؟ در آن زمان می پرسیم: دختر را چرا زنده در گور کردی؟ خدا دارد بازخواست می کند، فریاد قرآن برای ظلم به یک دختر کافر است. ظلم به یک دختر کافر... تا چه رسد به دختر مسلمان، تا چه رسد به دختر معصوم، تا چه رسد به خود معصوم، تا چه رسد به اولاد فاطمه (س)، تا چه رسد به ابوالفضل (ع)، تا چه رسد به زینب کبری (س)... اینقدر ظلم بد است که حتی خداوند اجازه نمی دهد به یک دختر کافر ظلم شود. وقتی که نظام هستی به هم بریزد، نور خورشید گرفته شود، ستاره‌ها بی نور شوند، کوه‌ها کنده شوند و راه بیفتند، دریاها جوش بیاید، سرمایه‌ها رها شود، آن وقت چه؟ یک هم چنین روزی، «وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ»؛ «الْمَوْءِدَةُ» یعنی دختری که زنده در گور می کنند. «سُئِلَتْ» (تکویر، ۸) «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر، ۹) به چه گناهی کشته شد؟ پس ببینید، اول روضه خوان خداست. این هم فریاد می زند برای ظلم به یک دختر کافر! تا چه رسد به یک دختر مسلمان، تا چه رسد به دختر معصوم، تا چه رسد به خود معصوم (ع).

عزاداری: فریاد ستم‌دیدگان بر علیه ستمگران

«لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ؛ خداوند متعال، فریاد زدن به بدگویی را دوست ندارد جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته اند.» (نساء، ۱۴۸) در این آیه، دو فراز وجود دارد؛ نخست می فرماید: «لَا يَحِبُّ اللَّهُ...» خداوند متعال، بدگویی و افشای دیگران را

دوست ندارد؛ جز کسانی که به حقوقشان تجاوز شده است که این گونه افراد استثنا شده اند. دوم، «الْأَمَّن ظَلَمَ»؛ این فراز، هشدار است به همه ستمگران که خداوند متعال نه تنها به مظلومان اجازه فریاد و افشاگری داده بلکه چنین فریادی، محبوب ذات اقدس الهی قرار گرفته است.

برپایی عزاداری، مصداق مودت اهل بیت

«قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری، آیه ۲۳) «بگو به ازای آن از شما پاداشی نمی خواهم مگر دوستی با خویشاوندان...» قرآن کریم دوستی خاندان پیامبر (صلوات الله علیه) را بر امت اسلامی فرض دانسته و محبت آنان را پاداش زحمات طاقت فرسای پیامبر در راه تبلیغ رسالت قرار داده است، و این خود حکایت از عظمت رسالت آن حضرت و بزرگی پاداش مقرر بر آن دارد. امام رضا (علیه السلام) به پسر شعیب فرمود: «اگر دوست می داری که هم نشین ما، در بهشت برین باشی در غم و اندوه ما اندوهناک، و در شادی ما شادمان باش و ولایت ما را بپذیر، چه آنکه اگر کسی سنگی را دوست بدارد در روز قیامت با آن محشور می شود.» از این رو مودت اهل بیت که همانا پاداش ابلاغ رسالت خاتم پیامبران است طلب می کند تا با آن زبان گفتار و کردار، اشک و اندوه، مرثیه سرایی و لعن و نفرین، بر قاتلان آنان، در سوگ آنان اندوهناک بود (رجبی، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹). در روایات فراوانی بر این نکته تاکید شده است که در جشن و سرور اهل بیت (ع)، شاد و در اندوه و ماتم آنان، اندوهناک باشید و به راستی ابراز محبت در شادی‌ها و عزاهای اهل بیت (علیهم السلام) از امتیازات پیروان مکتب آنان است.

سوگواری حضرت یعقوب (علیه السلام) در فراق حضرت یوسف (علیه السلام)

«يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَأَبْيَضَ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف، ۹۴): ای دریغ بر یوسف و در حالی که اندوه خود را فرو می خورد، چشمانش از اندوه سپید شد. حضرت یعقوب در جدایی فرزند خود دچار حزن و اندوه فراوانی گشت به طوری که سالیان درازی در غم یوسف اشک ریخت تا دیدگانش سفید شد و بنیایی خود را از دست داد. فرزندان یعقوب،

یعنی برادران یوسف از بسیاری اندوه و حزن پدر به ستوه آمده و گفتند: «به خدا سوگند که پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار شوی یا هلاک گردی» (یوسف، ۸۵).

این آیات گریه طولانی حضرت یعقوب را از ویژگی‌های مهم زندگی آن حضرت یاد کرده، چنان که برخی روایات نیز گریه فراوان یعقوب را به عنوان ویژگی خوب ایشان قلمداد نموده است. زمخشری روایت کرده است که حضرت یوسف (علیه السلام) از جبرئیل مدت اندوه و گریه پدر را جویا شد؛ پاسخ داد: «هفتاد سال به طول انجامید» و درباره پاداش گریه او سؤال کرد. پاسخ داد: «گریه او پاداش هفتاد شهید دارد.»

از آیه ای که بدان اشاره شد چنین می‌توان نتیجه گرفت، گریه و اندوه هرچند سالیان درازی طول بکشد مانع ندارد بلکه مشروع و از ویژگی‌های مثبت به شمار می‌آید (رجبی، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۳).

ادله روایی

در مکتب تشیع و تسنن در باب مشروعیت عزاداری، روایات متعددی وجود دارد که به اجنال به بررسی برخی از آنها پرداخته می‌شود.

روایات شیعه

ائمه اطهار علیهم السلام طبق احادیثی که در کتب معتبر شیعه موجود است سفارش زیادی روی بر پایی این جلسات عزا و زیارت قبور منورشان داشته‌اند. که به تعدادی از این احادیث در این جا می‌پردازیم:

۱- امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: «هرگاه مؤمنی از دنیا برود، فرشتگان و جایگاهی که در آنجا خدا را عبادت کرده و درهای آسمان که اعمال وی از آن بالا رفته است بر او می‌گریند و شکافی در اسلام پدیدار می‌گردد که چیزی نمی‌تواند آن را پر کند؛ چراکه مؤمنان همانند دیوار اطراف شهر و نگهبان اسلامند.» (حر عاملی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ۹۲۴).

۲- امام جعفر صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قَالَ لِفُضَيْلٍ: تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا فَأَحْبَبُوا أَمْرَنَا يَا

فُضِّلُ! فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فُضَيْلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ»، «آیا مجالس حدیث دارید؟ فضیل گفت: بله، فدای شما شوم. امام علیه السلام فرمود: این مجالس را دوست دارم، پس دستورات ما را (با این مجالس) زنده کنید. ای فضیل، خدا رحمت کند کسی که سخن ما را زنده کند، ای فضیل کسی که مصائب ما را بگوید یا برایش بگویند سپس از چشمش به اندازه بال پشه اشکی خارج شود، خداوند گناهان او را می‌بخشد اگر چه از کف دریا بیشتر باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۲).

۳- امام رضا (علیه السلام) فرمود: «اگر خواستی بر کسی گریه کنی برای حسین بن علی (علیه السلام) گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند ذبح کردند... این مصیبت آن چنان بزرگ است که آسمانها و زمین در شهادتش گریستند. روز عاشورا، اشک چشمان ما را روان ساخت و عزیزان ما را خوار کرد و سرزمین کربلا تا روز قیامت برای ما، سخت و بلا به جای گذاشت، پس بایستی گریه کنندگان بر مثل حسین (علیه السلام) گریه کنند و بدانند که گریستن بر حسین (علیه السلام) گناهان بزرگ را می‌ریزد و انسان را پاک می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۰). پیامبر (صلوات الله علیه) فرمودند: «هر چشمی در قیامت گریان است جز چشمی که بر حسین (علیه السلام) گریه کند، آن چشم همیشه خندان و به نعمت‌های بهشتی بشارت داده می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۹۳).

۴- امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «کسی که مصیبت‌هایی را که بر ما وارد شده به یاد آورد و بر آن گریه کند، در قیامت همراه ما خواهد بود، کسی که به یاد مصایب ما گریه کند و دیگران را بگریاند، چشمان او روزی که همه چشمها گریانند، گریان نخواهد بود، و کسی که در جلسه‌ای بنشیند که در آن جلسه امر ما احیاء و برپا داشته می‌شود، دل او روزی که دلها می‌میرد، زنده می‌شود و نمی‌میرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۷۸).

۵- حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ وَ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ إِيَّاْنَا»؛ «خداوند بزرگ وقتی که عنایت و توجه به زمین نمود ما را به عنوان اولیاء خود برگزید و برای ما هم پیروانی (شیعیانی) جهت یاری ما انتخاب کرد که آنان در شادی ما

شاد و در غم ما محزون می‌باشند و اموال و جان خویش را در راه ما می‌بخشند اینان از ما هستند و به سوی ما باز خواهند گشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۲۸۷).

۶- امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: «قولوا لاولیائنا یهتمون فی اقامه مصائبنا»؛ «به دوستان و شیعیان ما بگویند: در اقامه و برپایی (مجالس) عزا و مصیبت‌های ما همت و کوشش نمایند» (قمی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

۷- امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: «مَنْ دَمَعَتْ عَیْنُهُ فِینَا دَمْعَةً لِدَمِ سُنْفَكٍ لَنَا أَوْ حَقَّ لَنَا نُقِصْنَا أَوْ عَرِضَ انْتِهَکَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِیعَتِنَا بَوَّأَهُ اللهُ تَعَالَى فِی الْجَنَّةِ حُقْبًا»، «هر کس در راه ما به خاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما به تاراج رفته، یا پرده آبروی و حیثیتی که از ما و یا یکی از شیعیان ما دریده گشته، قطره اشکی بریزد خداوند سبحان پاداش او را سال‌های زیاد در بهشت قرار خواهد داد (شیخ مفید، ۱۴۱۷ق، مجلس ۲۲، ح ۵).

روایات اهل سنت

۱- پس از درگذشت حضرت عبدالمطلب، پیامبر بر جد عزیزش گریست. ام ایمن می‌گوید: «انا رایت رسول الله یمشی تحت سریره و هو یبکی» من پیامبر را دیدم که در پی جنازه عبدالمطلب راه می‌رفت، درحالی که می‌گریست (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۱۷).

۲- حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: وقتی خبر رحلت پدرم ابوطالب را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادم، ایشان گریست، آن‌گاه فرمود «اذهب فاغسله و واره غفرالله له و رحمه»؛ او را غسل ده، کفن کن و به خاک بسپار؛ خداوند او را بیامرزد و مورد رحمت خویش قرار دهد (ابن سعید، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ۱۲۳).

۳- روزی پیامبر صلی الله علیه و آله قبر مادر عزیز خود آمنه را در ابواء زیارت کرد و به گفته مورخان، آن حضرت در کنار قبر مادر گریست و همراهان خود را به گریستن انداخت (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۳۵۷).

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام مرگ فرزند دلبندهش ابراهیم می‌گریست و می‌فرمود: «العین تدمع و القلب یحزن و لانقول الا ما یرضی ربنا و انا بک یا ابراهیم لمحزونون»

چشم می‌گرید و قلب می‌سوزد و جز آنچه مورد رضایت خداست نگوییم، ای ابراهیم ما در فراق تو در اندوهیم (الاشعث سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۴۸۲).

۵- در رحلت عثمان بن مظعون صحابی وفادارش اندوهگین شد، آورده اند: «ان النبی صلی اللہ علیہ و اله قبیل بن مظعون و هو میت و هو بیکی»، «پیامبر بر جنازه او بوسه زد و گریست (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ۳۶۱).

۳-۳. اجماع

در این بخش به بررسی نظر فقهای سنی و شیعه در باب مشروعیت عزاداری پرداخته می‌شود.

نظر فقهای اهل تسنن

برای تبیین نظر فقهای اهل سنت در مورد عزاداری، چنین آمده است:

«در تشییع جنازه و در منزل میت، نوحه، گریه، شیون، و پاره کردن گریبان مکروه است. اما گریه بدون فریاد اشکالی ندارد؛ ولی صبر و شکیبایی بهتر است» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

در جای دیگر می‌نویسد: «گریه و نوحه بلند روا نیست، اما گریه ای که از سوز قلب باشد مانعی ندارد. لباس سیاه برای مردان مکروه است ولی برای خانمها اشکالی ندارد. سیاه کردن گونه و دست‌ها، پاره کردن گریبان، زخمی کردن صورت، پریشان کردن مو، ریختن خاک بر سر، زدن بر سینه و ران و روشن کردن، آتش بر سر قبرها از رسومات دوران جاهلیت بوده و باطل است.»

در فتاوی‌ای غیاثیه آمده است: «شیون، زاری، فریاد زدن مکروه است و پیامبر از آن جلوگیری فرموده است. اما گریه اشکالی ندارد زیرا روایت است که پیامبر در مرگ فرزندش ابراهیم گریست» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

عبدالرحمن الجزیری می‌گوید: «از دید مالکیه و حنفیه گریه با صدا و فریاد زدن حرام است، اما از نظر شافعیه و حنبلیه، مباح و رواست، چنان که اشک ریختن بدون صدا به اتفاق علما مباح است» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

سُبکی از محققان اهل سنت می گوید: «اگر گریه برای دل سوختن بر میت و ترس از عذاب خداوند باشد کراهت ندارد. اما اگر برای جزع و تسلیم نشدن در برابر قضای الهی باشد مکروه و یا حرام است؛ این حکم در صورتی که گریه با صدا باشد؛ اما بدون صدا اشکالی ندارد، و نیز از روایات چنین بدست می آید که گریه پیش از مرگ جایز است، چنانکه پس از مرگ نیز می باشد، زیرا پیامبر نزد قبر یکی از دخترانشان گریه کردند؛ هم چنین در زیارت قبر مادرشان (آمنه) همراه اصحاب گریستند» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

نظر فقهای شیعه

حال که به سخنان فقهای اهل سنت نظری افکنندیم لازم است تا سخنان فقها و علمای شیعه را هم در زمینه عزاداری مورد بررسی قرار دهیم؛ البته همانطور که آگاهی دارید فقهای شیعه انگشت شمار نیستند و افراد مشهور بسیاری هم در این زمینه سخنی دارند؛ اما در اینجا فقط به چند نمونه، اشاره اجمالی کرده تا مطلب مورد نظر برایمان روشن شود و به آن بسنده می شود.

مرحوم صاحب جواهر می نویسد: «شکی نیست که گریه بر میت به خاطر روایات متعددی که به حدّ تواتر معنوی رسیده و فتاوی فقها، جایز است و آن روایات عبارتند از: گریه پیامبر بر حمزه سید الشهداء و فرزندش ابراهیم و غیر آنها، همچنین حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بر پدر و خواهرش گریه کرد، امام سجاد (علیه السلام) بر پدر بزرگوارش گریست، به گونه ای که حضرت فاطمه و امام سجاد (علیهم السلام) از چهار گریه کننده معروف گردیدند. نوحه سرایی در صورتی که همراه با باطل یا دروغ نباشد جایز است و در غیر این صورت اشکال دارد» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

موسوی خمینی (ره) می فرماید: «گریه کردن بر اموات نه تنها رواست بلکه در هنگام شدت حزن و اندوه مستحب می باشد. ولی سخنی که باعث غضب پروردگار می شود نگوید؛ و جایز است نوحه سرایی خواه با شعر یا با نثر، اما با این شرط که همراه با دروغ و محرمات دیگر نباشد. هم چنین بنا بر احتیاط «وای گفتن» و بنا بر احتیاط جایز سیلی زدن بر صورت، زخمی کردن، بریدن و کندن موی و فریادی که بیرون از حدّ اعتدال باشد. هم چنین پاره کردن لباس

روا نیست، جز برای پدر و برادر و در برخی از امور یاد شده، نظیر بریدن موی سر توسط خانمها هنگام مصیبت، کفاره ماه رمضان و در کندن آن کفاره یمین واجب می شود» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

آیت الله خویی می فرماید: «احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند، اگر زن در عزای میت، صورت خود را بخراشد و خونین کند یا موی خود را بکند، بنابراین احتیاط مستحب، یک بنده آزاد کند یا ده فقیر طعام دهد و یا بپوشاند و هم چنین اگر در مرد یا زن یا فرزند، یقه یا لباس خود را پاره کند چنین است» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۵۲).

همانطور که ملاحظه شد، عزاداری را از دیدگاه‌های مختلف از جمله، در پرتو قرآن، در پرتو روایات شیعه و سنی و از دیدگاه فقهای شیعه و سنی مورد بررسی قرار دادیم و نتایج بسیار خوبی هم از آن به دست آوردیم. از جمله نتایج مهمی که از مطالعه این مباحث به دست می آید این است که عزاداری در تمام این زمینه‌ها مورد اهمیت افرادش واقع شده است و در ضمن بحث به بسیاری از شبهات وارده پاسخ داده شده است.

سیره معصومین

گریه و عزاداری در سیره مسلمانان از گذشته تا حال، بسیار به چشم می خورد، که در این بحث فقط به موارد مشهور و قابل توجه اکتفا می شود.

۱- گریه و عزاداری زنان بنی‌هاشم در شهادت امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام): امّ بکر دختر مسعود می گوید: «... پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) زنان بنی‌هاشم یک ماه مجلس روضه نوحه و عزاداری به پا داشتند» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

در روایت دیگر آمده است: «هفت شبانه روز، زنان و مردان و کودکان در مدینه و مکه بر حسن بن علی (علیه السلام) گریستند.» شاید مراسم هفت که میان شیعیان رواج دارد برگرفته از اینگونه روایات است.

عایشه دختر سعد روایت می کند: «زنان بنی‌هاشم در شهادت امام حسن (علیه السلام) یک سال حداد را ترک نکردند، منظور از حداد، پوشیدن لباس اندوه و عزا و ترک زینت و آرایش است. خالد بن سریر از امام صادق (علیه السلام) پرسید: جامه چاک دادن زن در مرگ شوهر

اشکالی ندارد» آن گاه فرمود: «کفاره زدن بر صورت جز استغفار و توبه نیست. در شهادت حسین بن علی (علیه السلام) خانم‌های فاطمی گریبان پاره نموده و صورت‌ها را زخمی کردند و در چنین حادثه ای شایسته است که آن طور عمل شود» (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

۲- عزاداری ام المؤمنین ام سلمه: پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و ۱۸ تن از اهل بیت (علیهم السلام) و ۵۳ تن از یاران ایشان با حضور همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در مجلس ام سلمه مجلس عزای برپا گشت. عماد الدین ادریس قریشی در عیون الاخبار نقل می کند: «زمانی که خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) به ام سلمه رسید در مجلس پیامبر (صلوات الله علیه) قبه و خیمه ای سیاه برپا نمود و جامه سیاه پوشید.» عزاداری هاشمیان و همسران پیامبر (صلوات الله علیه) برای مسلمانان بهترین حجت و دلیل زنده نگه داشتن عزاداری هاست (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

۳- عزاداری جابر بن عبدالله انصاری: برخی از مورخان می نویسند: علی بن حسین (علیه السلام) و اهل بیت پس از بازگشت از شام به کربلا آمدند، در آغاز ورود به کربلا با جابر بن عبدالله انصاری روبه رو شدند، با گریه و اندوه یکدیگر را ملاقات کردند. آنگاه مجلس عزاداری برپا نمودند، به گونه ای که جگرها را می سوزاند و چند روز به این صورت عزاداری کردند (طوس، ۱۳۸۵ق: ۸۲۰).

۴- عزاداری پیامبر (صلوات الله علیه) و اصحاب ایشان برای امام حسین (علیه السلام): پیامبر (صلوات الله علیه) نسبت به حوادث و جریانی که امت اسلامی با آن روبه رو بوده، یا پس از ایشان رو به رو می شده اند، از راه وحی و علم الهی آگاه بوده اند و این حقیقت را در مناسبت‌های گوناگون ابراز داشته اند. درباره امام حسین (علیه السلام) نیز چنین پیشگویی‌هایی از آن حضرت نقل شده است، هرگاه اندوه آن حضرت شدت می یافت، حسین (علیه السلام) را در آغوش می گرفت و او را به مسجد می آورد، اشک از چشمان مبارکشان جاری می شود و تربت کربلا را به دست گرفته، کودک شیرخوار را به اصحاب نشان داده و می فرمودند: «امتم، فرزند مرا خواهند کشت و این خاک کربلای اوست.» پس نحوه شهادت امام را بیان داشته و می فرمودند: «اندوه و بلا! وای از اندوه و بلا! کربلا سرزمین اندوه و بلا!» (رجبی، ۱۳۸۱: ۶۹).

- چون ذکر بقیه موارد باعث اطناب است، فقط مواردی را که حضرت محمد(صلوات الله علیه) در آن مکان بر امام حسین(علیه السلام) گریستند نام می‌بریم:
- سوگواری پیامبر(صلوات الله علیه) در منزل ام‌المؤمنین عایشه.
 - گریه رسول خدا در منزل عایشه.
 - گریه رسول خدا در منزل حضرت علی(علیه السلام).
 - گریه پیامبر خدا در هنگام مقابله با بنی‌هاشم.
 - گریه پیامبر و اصحاب به هنگام اطلاع از شهادت امام حسین(علیه السلام).
 - گریه امام علی(علیه السلام) و ابن عباس در عبور از کربلا(رجبی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۳).

دلایل حرمت بدعت‌های نامتعارف با نام عزاداری

در زمینه بدعت در عزاداری اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) اختلاف نظر و افراط و تفریط‌های بسیاری به چشم می‌خورد. برخی هر عملی را که به قصد عزاداری اهل بیت (ع) انجام گیرد، مشروع می‌دانند اگرچه کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ به نام قمه بر فرق سر باشد. در مقابل، برخی برآنند که در عزاداری اهل بیت علیهم السلام، فقط گریه کردن جایز است و کارهای نامتعارف همانند لطمه زدن (سرزنی، سینه زنی و مانند آن) جایز نیست بلکه هر نوع عمل نامتعارف را از نظر حکم، با قمه زنی یکی دانسته و درباره همه آنها به یک نحو قضاوت کرده‌اند.

شیخ طوسی در مورد حرمت لطمه زدن، خراشیدن بدن و بریدن مو ادعای اجماع کرده است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۱۸۹). مقدس اردبیلی نیز در این که مرد گریانش را در غیر عزای پدر و برادر پاره کند، ادعای اجماع نموده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۵۰۸: ۱). اگر این اجتماعات محقق شده باشند، می‌تواند دلیل قابل اعتمادی باشد. چنانکه صاحب جواهر، اجماع شیخ را با لحن موافق نقل کرده (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۶۷) و در مورد اجماع مقدس اردبیلی گفته است: تتبع بر درستی آن گواهی می‌دهد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۶۸). ولی اجتماعات یاد شده دلیل قابل اعتمادی نیست زیرا در مورد آنها احتمال مدرکی بودن می‌رود.

اضرار به نفس و تضييع اموال: چاك زدن گريبان، موجب تضييع مال و سيلی زدن، خراشيدن بدن و كندن مو، اضرار به بدن است. تضييع مال و اضرار به بدن حرام است. چنان كه برخی از فقها، تضييع مال را از ادله حرمت چاك زدن گريبان ذكر كرده اند (فاضل هندی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۴۱۸؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۵۰۶). اين دليل بجا نيست، زيرا دليلی بر حرمت تضييع مال به صورت عموم به نحوی كه شامل مال جزئی بشود، ديده نشد چنانكه مقدس اردبیلی گفته: «و حصول الاضاعه المحرمه هنا ممنوع» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۵۰۶) و نیز دليلی بر حرمت اضرار به جسم در حد لطمه زدن، خراشيدن و كندن مو نداريم مادامی كه به حدّ جنايت بر نفس نرسد به گونه ای كه ظلم به نفس شمرده شود، چنان كه آيت الله خويی گفته است: «لا دليل على حرمة كل اضرار بالجسد ما لم يصل الى حدّ الجنايه على النفس، بحيث يعد ظلماً لها» (موسوی خويی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۴۳).

عدم رضایت نسبت به قضای خداوند متعال: بدین معنی كه امور ياده شده (لطمه زدن، خراشيدن بدن، كندن مو، گريبان چاك زدن) به معنای عدم رضایت و خشمگين بودن نسبت به قضای خداوند متعال و در نتیجه حرام خواهد بود، چنان كه صاحب جواهر و برخی از فقها، اين مطلب را از ادلّه حرمت امور ياده شده يا برخی از آنها دانسته اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۵۰۶؛ فاضل هندی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۴۱۸؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۶۷ و ۳۶۸). اين دليل نیز قابل قبول نيست، زيرا انجام امور ذكر شده به طور حتم به معنای ناخشنودی از قضای الهی نيست بلکه ممكن است به صرف حزن و اندوه انجام گیرند و گرنه چاك زدن گريبان در عزای پدر و برادر نیز بايد حرام باشد در حالی كه مشهور فقها به جواز آن در مرگ پدر و برادر فتوا داده اند. (طوسی، بی تا، ج ۱: ۱۸۹؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق: ۶۹؛ حلی، ۱۴۰۵ق: ۵۵؛ فاضل هندی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۴۱۸؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۵۰۶؛ طباطبایی يزدي، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۱۳۱؛ حلی، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۴۲۴؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۶۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۳).

۵. فتاوی فقها و مجتهدین در مورد برخی از بدعت‌های عزاداری

بسیاری از فقها و مجتهدین بر حرمت قمه زدن، زنجیرزنی، استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری، علامت، لطمه زدن، خراشیدن بدن، کندن مو، گریبان چاک زدن در عزاداری بر میّت فتوا داده اند. در این بخش به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

قمه زنی

از جمله اعمالی که در عصر حاضر سبب توهین دیگران به مذهب تشیع شده و سابقه تاریخی و توجیه عقلانی ندارد قمه زنی یا تیغ زنی است. این عمل در فتاوی بسیاری از فقها حرام شمرده شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

سوال: قمه زنی و سینه زنی با بدن برهنه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟

امام خمینی قدس سره (جواب) در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد (استفتائات امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۵۸۳، س ۴۲).

سوال: آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف جنابعالی عمومیت

دارد؟

آیت الله خامنه‌ای (ج) قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه حساب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود، بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۲۶، س ۱۴۶۱).

سوال: آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری و جود داشته باشد، وظیفه

چیست؟

آیه الله فاضل لنکرانی (جواب) با توجه به گرایش که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام القری جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین

علیه السلام به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد، پیداست در این شرایط مسأله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه‌مند به مکتب امام حسین علیه السلام از آن خود داری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست (موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲۲، س ۲۱۷۲).

زنجیرزنی

برخی از ادله حرمت قمه زنی، همانند وهن مذهب و اضرار به نفس، بعضی از انواع زنجیرزنی را نیز شامل می‌شود. زنجیرهایی که ضرر قابل توجهی بر بدن وارد کرده و در افکار عمومی موجب وهن مذهب می‌شود، جایز نیست، چنان که مقام معظم رهبری در پاسخ استفتایی درباره زنجیر تیغ دار فرموده است:

اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم باشد و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۲).

و نیز آیت الله خویی فرموده است:

اگر قمه زنی و زنجیرزنی با قلاب‌های فلزی که در ماه محرم انجام می‌گیرد، منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده و یا هتک، تمسخر و توهین به دین و مذهب را به دنبال آورد، جایز نیست (دفتر فرهنگی فخرالائم، ۱۳۸۵: ۶۰).

اکنون زنجیرزنی در برخی از مناطق شیعه نشین یا در بسیاری از آنها معمول است ولی این سیره حجت نیست، زیرا متصل به عصر معصوم (ع) نمی‌باشد؛ چرا که از هیچ یک از کتب حدیثی یا تاریخی به دست نمی‌آید که زنجیرزنی در زمان ائمه اطهار (ع) معمول بوده باشد بلکه به یقین می‌توان گفت زنجیرزنی در آن اعصار معمول نبوده و در سده‌های اخیر متداول شده است.

نتیجه سخن اینکه زنجیرزنی در نصوص وارد نشده و مشمول عموماً و اطلاقات ادله نیز نمی باشد و در نتیجه جواز آن مشکل به نظر می رسد به ویژه اگر زنجیر خاردار باشد و موجب ضرر قابل توجهی به بدن گردد.

قمه زنی و زنجیر تیغ دار، نه تنها در نصوص وارد نشده و مشمول عموماً و اطلاقات ادله نمی باشند، بلکه از باب اضرار به نفس، هتک حرمت عزاداری و وهن مذهب، حرام می باشند. زنجیر معمولی نیز در نصوص وارد نشده و مشمول ادله جواز نسبت به آن، جای تردید دارد.

استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری

از آنجا که در برخی از هیئت های عزاداری از شیپور و طبل و سنج و دیگر وسائل موسیقی استفاده می شود، توجه به چند استفتاء لازم است:

سوال: آیا زدن طبل و شیپور در تعزیه حضرت سید الشهداء علیه السلام جایز است یا نه؟
موسوی خمینی (ره): ج) اگر از آلات لهو و لعب نباشد و وهن بر مذهب هم نشود مانع ندارد (استفتاآت امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۵۸۳، ۴۵).

س: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟

حسینی خامنه ای: ج) اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۱: ۳۲۲، ۱۴۴۱).

س: استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

حسینی خامنه ای: ج) استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۱: ۳۲۴، ۱۴۴۹).

شیخ انصاری در پاسخ به کسانی که می‌گویند غنا می‌تواند زمینه گریه کردن را فراهم نماید، می‌فرماید: چنین شیوه‌ای نمی‌تواند مقدمه مستحب یا مباح قرار گیرد و باید به عموم ادله حرمت غنا تمسک نمود (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۹).

شیخ عباس قمی می‌فرماید: عزاداران امام حسین علیه السلام بر وجهی سلوک کنند که زبان نواصب دراز نشود و از استعمال محرمات از قبیل غنا که غالباً نوحه‌ها خالی از آن نیست و حکایات ضعیفه مظنونه الکذب احتراز نمایند و شیطان را در این عبادت بزرگ راه ندهند (قمی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۸).

سؤال: در رادیو مدح ائمه طاهرین علیهم السلام با واقعه کربلا را با وزن و ساز و با لحن خوب می‌خوانند. آیا استماعش جایز است یا خیر؟
موسوی خمینی (ره): اگر غنا و موسیقی نباشد مانع ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۱۶، س ۳۶).

سؤال: هیئت‌های نوازنده و کسانی که در مراسم تشییع جنازه شهداء موزیک عزا می‌زنند، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ و آیا خرید و فروش آن لوازم حرام است یا خیر؟
موسوی خمینی (ره): خرید و فروش آلات لهو حرام است و موسیقی مطرب جایز نیست و صداهای مشکوک مانع ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۱۸).

علامت

سؤال: بسیاری از تکایا در ایام عزاداریهای مذهبی، اقدام به حمل «علاماتی» می‌کنند که به قیمت گزافی خریده شده و حمل آن نیز موجب اشکال است. این وسائل از نظر شرعی چه حکمی دارند؟

موسوی خمینی رحمه الله: اشکال ندارد (استفتات امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۸، س ۷۲).
سؤال: حکم علمهایی که در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام از آنها استفاده می‌شود و بعضی دارای نقش و نگارهایی نیز هستند چیست؟
فاضل لنکرانی: استفاده از آنها در عزاداری جایز است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲۳، س ۲۱۷۳).

سؤال: آیا جایز است پارچه و دستمالهایی را که در ایام محرم بر روی علم می‌بندند بفروش برسانند و در عزاداری و تعمیر حسینیه مصرف کنند؟
 فاضل لنکرانی: اگر در مراسم عزاداری محل حاجت نباشد و زاید بر متعارف باشد، می‌تواند بفروشد و به مصارف عزاداری و احتیاجات حسینیه‌ها برسانند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲۳، ۲۱۷۹).

نتیجه‌گیری

خواستگاه اصلی نوحه سرائی و عزاداری و مرثیه خوانی، فطرت و نهاد انسان‌ها است و نفی آن به معنای نفی فطریات خواهد بود. آیات متعددی در خصوص ضرورت عزاداری در قرآن کریم آمده است بیانگر این است که قرآن کریم نسبت به هر چیزی حالت روشنگری دارد و چیزی از مسائل فردی و اجتماعی و دانش‌های مختلف نیست، مگر این که قرآن آن را بیان نموده است که مشروعیت، بلکه رجحان عزاداری و اقسام آن را اثبات می‌کند. از آیات و روایات نقل شده به خوبی استفاده می‌شود: گریه و اندوه در سوگ عزیزان، گرچه سالیان درازی هم طول بکشد مانعی ندارد. در روایات فراوانی بر این نکته تأکید شده است که در جشن و سرور اهل بیت شاد و در اندوه و ماتم آنان اندوهناک باشید و به راستی ابراز محبت در شادی‌ها و عزاهای اهل بیت (ع) از امتیازات پیروان مکتب آنان است. با نظری به آیات و روایات روشن می‌شود که عزاداری و برپایی مجالس عزانه تنها با قرآن مخالفت و ناسازگاری با مبانی دینی ما ندارد، بلکه از مصادیق شعائر الهی، مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و مبارزه با ظلم و ستم می‌باشد که در قرآن به آنها سفارش شده است. در زمینه بدعت در عزاداری اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) اختلاف نظر و افراط و تفریط‌های بسیاری به چشم می‌خورد. برخی هر عملی را که به قصد عزاداری اهل بیت (ع) انجام گیرد، مشروع می‌دانند اگرچه کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ به نام قمه بر فرق سر باشد. در مقابل، برخی برآنند که در عزاداری اهل بیت علیهم السلام، فقط گریه کردن جایز است و کارهای نامتعارف همانند لطمه زدن (سرزنی، سینه زنی و مانند آن) جایز نیست بلکه هر نوع عمل نامتعارف را از نظر حکم، با قمه زنی یکی دانسته و درباره همه آنها به یک نحو قضاوت کرده‌اند. از نظر اکثر

فقهای عظام حکم اولیه در مورد قمه زنی و هر نوع عمل نامتعارف در عزاداری‌ها، حرمت است. در هیچ یک از فرمایش معصومین (ع) پیرامون فضیلت عزاداری بر امام حسین (ع) به امری غیر از گریه کردن توصیه نشده است. اگر روایاتی که در ثواب و پاداش تعزیه بر سالار شهیدان وارد شده است مطالعه شود، هیچ توصیه غیر از گریستن و زیارت کردن قبر مطهرشان دیده نخواهد شد.

منابع

- قرآن کریم

- ۱- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ ه.ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي
- ۲- ابن سعید، محمد. (۱۴۲۶ ه.ق). الطبقات الكبرى، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ ق). لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۴- جبلی عاملی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۰۷ ه.ق). مسکن الفؤاد، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۱۰۴ ق). وسائل الشیعه، جلد ۲، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۲ ه.ق). وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۷- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۰). اجوبه الاستفتائات، تهران: انتشارات الهدی، چاپ

هفتم

- ۸- حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۸۵). معارف و معاریف، تهران، انتشارات آرایه
- ۹- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۲ ه.ق). منتهی المطلب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغتنامه ی دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۳۸۶). مفردات الفاظ القرآن. ترجمه محمد حسین رحیمی. چاپ اول. تهران، نشر سبحان

۱۲- رجبی، حسین. (۱۳۸۱). پاسخ به شبهات عزاداری، قم، مرکز انتشارات دفتر نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان

۱۳- صدر، محمدباقر. (۱۴۲۰ق). معالم الجدیة، تهران، انتشارات مکتب النجاش

۱۴- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (۱۴۲۴ ه.ق). العروة الوثقی، چاپ دوم، قم، موسسه النشر

الاسلامی

۱۵- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). جامع المسائل (فارسی)، جلد ۲، قم، چاپخانه مهر

۱۶- فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی. (۱۴۲۰ ه.ق). کشف اللثام، قم، موسسه نشر

اسلامی

۱۷- فرهنگ لاروس. (۱۳۶۵). ترجمه ی سید حمید طیبیان تهران، انتشارات امیرکبیر

۱۸- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۴). منتهی الآمال، قم، انتشارات مومنین، چاپ سوم

۱۹- قمی، شیخ عباس. (۱۴۰۴ ه.ق). بیت الاحزان، قم، مطبعة سید الشهداء

۲۰- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الإحياء التراث

۲۱- معین، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ معین، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیر کبیر

۲۲- مقدس اردبیلی، احمد. (۱۴۱۸ ه.ق). مجمع الفائدة و البرهان، قم، موسسه النشرالاسلامی،

چاپ سوم

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست

۲۴- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۱). استفتائات از محضر امام خمینی، قم، دفتر انتشارات

اسلامی

۲۵- موسوی خمینی، روح الله. (۱۴۱۵ ه.ق). کتاب البیع، قم، موسسه نشر اسلامی

۲۶- موسوی خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۰۴ ه.ق). مستند العروة (کتاب النکاح)، نجف، مطبعة

الآداب

۲۷- نجفی، سید جلیل. (۱۳۶۶). مناقب اهل بیت (علیهم السلام)، چ ۵، تهران: انتشارات سید

جلیل نجفی

۲۸- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ سوم

۲۹- نفیسی، علی اکبر. (۱۳۴۷). فرهنگ نفیسی، تهران، انتشارات خیام